

یادداشت کارگری هفته

به استقبال اول ماه مه ۱۴۰۱ بشتابیم! (بخش پنجم)

امیرجوهری لنگرودی



اول ماه مه سال ۱۴۰۱ در راه است!

در آستانه اول ماه مه با دو وضعیت موازی و درآمیخته روبرو هستیم: بعد از تعطیلات نوروز، موج وسیع اعتراضات و اعتصابات و تجمعات خیابانی، در بخش‌های گوناگون آغاز شده است. انباشت مطالبات بی پاسخ مانده، بی نتیجه ماندن تاکنونی مذاکرات برجام و ته کشیدن ادعاهای دولت رئیسی و نیرنگ‌ها و دفع الوقت‌هایش در حل مشکلات معیشتی مردم، ادامه انفجار قیمت‌ها و فشار تورمی تحمل ناپذیر بر زندگی و معیشت مردم برخی از دلایل گسترش اعتراضات است. از آن سو موج احضارها و بازداشت فعالان و کنشگران جنبش‌های مختلف اعتراضی و صدور احکام طویل‌مدت زندان شدت یافته و نیروهای سرکوب حاکمیت همه توان خود را برای مقابله با حضور در کف خیابان، خاصه در تهران، به خدمت گرفته‌اند. بعلاوه شاهد ترور شخصیت فعالان شناخته شده جنبش‌های اعتراضی و انتشار گسترده اخبار جعلی و انجام عملیات ایدایی با هدف منحرف کردن اذهان عمومی هستیم.

یازده اردیبهشت (روز جهانی کارگر) و دوازده اردیبهشت (روز معلم)، در شرایطی فرا می‌رسد که چشم انداز فوری برافزایش تقابل این دو رویکرد در بطن و بستر جنبش‌های اعتراضی دلالت دارد. کارگران، معلمان، بازنشستگان و ... سایر گروه‌های مطالبه‌گر جایی برای عقب نشینی ندارند؛ در خط بقا می‌جنگند و چاره‌ای جز آمدن به کف خیابان ندارند. چننه عوامفریبان حاکمیت هم ته کشیده و برای مهار اعتراضات راه تشدید برخوردهای امنیتی را در پیش گرفته‌اند.

این میان عوامل وابسته به شورای اسلامی کار، انجمن‌های اسلامی کارگران، و خانه کارگر، اول ماه مه را در زعامت نیروهای حراست و امنیت، با رفتن بر سر قبر آقا، بیت خامنه‌ای و جا گرفتن در اتوبوس‌ها برای حضور در نمایش نماز جمعه در شرایطی که به دلیل ماه رمضان از ساندیس خوری خبری نیست، بالماسکه‌ای موسوم به «هفته کارگر» برگزار می‌کنند و بعید نیست امسال هم شاهد

ادعاهای تکراری "علیرضا محجوب" و کباده کش او "حسن صادقی". آن دیگران ... با هزینه جاری و ساری خانه کارگر و انتشار عکس و فیلم در سایه سار خبرگزاری کار ایران (ایلنا) به نام روز جهانی کارگر باشیم.

در بستر تقابلی که چشم انداز گسترش آن مطرح است، توجه به تنوع شکل‌های اقدام از اهمیت مضاعفی برخوردار است. فعالان و کنشگران جنبش کارگری به همراه دیگر نیروهای مطالبه‌گر، عملاً در هر منطقه با توجه به قدرت سازمان یابی مستقل، برآورد ناشی از توازن قوا و دامنه برخورد‌های امنیتی، در خصوص گرامیداشت اول ماه مه به شکل‌های متناسب اقدام خواهند کرد. این تناسب می‌تواند شامل توجه و بهره برداری از همزمانی‌های اعتراضی موجود در میان گروه‌های مختلف مطالبه‌گران میدانی در کف خیابان هم باشد. زیرا جبر ناشی از مبارزه برای حق بقا در شرایطی که حاکمیت جز فریب و سرکوب و زمان خریدن‌ها به عنوان ابزارهای مقابله با جنبش مطالباتی پاسخی ندارد، چاره‌ای نمی‌گذارد جز این که یکشنبه اعتراضی بازنشستگان و پنجشنبه‌های اعتراضی فرهنگیان با روزهای اعتراضی سایر گروه‌های مطالبه‌گر پُر شود و همه روزهای هفته، روزهای حضور گروه‌های گوناگون در میدان مطالبه‌گری در کف خیابان شود. این یکی از راهکارهای عمومی شدن اعتراضات در کف خیابان است که عملاً گرایش به آن از درون جنبش مطالباتی بیرون آمده است؛ راهکاری که اگر در گام اول فضای مساعدی برای هم راهی‌های تصادفی، هماهنگ نشده و برنامه ریزی نشده و غیر رسمی به شکل موازی در کف خیابان فراهم می‌کند در گام بعدی می‌تواند اعتراضات پراکنده را بر پایه فصل مشترک‌های موجود گروه‌های مطالبه‌گر سازمان‌یافته تر متحد کند.

نکته روشن تجربه تلخ تجمع فرهنگیان در روز پنجشنبه اول اردیبهشت ۱۴۰۱ در تهران نشان داد که برای دستگاه امنیت و قوای سرکوب پوشش دادن شهر تهران از نیروهای ضد شورش و انتظامی در مسیرهای منتهی به وزارتخانه‌ها و مجلس و خیابان پاستور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

جدا از این، حضور گسترده همین نیروهای سرکوب در مقابل خروجی متروها و خیابان‌های اطراف، نشانه هراس حاکمان از هر سطح جمعیت است که بخواهد امر مطالبه‌گری را در کف خیابان به نمایش عمومی درآورد!

بیگمان این چنین هراسی در یازدهم اردیبهشت (اول ماه مه) روز جهانی کارگر و روز بعدی روز معلم نیز وجود دارد تا با حجمه و اعمال خشونت، امر دادخواهی و مطالبه‌گری را ناممکن سازند. اما یازدهم اردیبهشت، روز جهانی کارگر (اول ماه مه) امسال گره خورده است به یکشنبه‌های اعتراض سربازی بازنشستگان سراسر کشور و تجمع نیروهای مطالبه‌گر اعم از بازنشسته‌های تامین اجتماعی، بازنشستگان فرهنگی و غیره... که می‌تواند به شکل توأمان بازخورد وسیع و گسترده‌ای را از جهت تبلیغی در پی داشته باشد. جا دارد که در پی گفت آنچه در روز پنجشنبه اول اردیبهشت در تجمع فرهنگیان تهران مشاهده گردید، برای "روز جهانی کارگر" و "روزمعلم" خاصه در تهران نسبت به این مهم توجه لازم و تمهیدات کافی صورت گیرد.

در هر صورت کاملاً روشن است که کل اردوی کار کشور از دردی مشترک رنج می‌برد؛ دردی که جداگانه درمان نمی‌شود. ما حتی اگر به خاطر فشار بازداشت‌ها و احضارها و رشته‌ای از موانع دیگر نتوانیم یازدهم اردیبهشت (روز جهانی کارگر) و دوازدهم اردیبهشت (روزمعلم) را به سرفصل شایسته‌ای از همگرایی و هماهنگی و حضور خیابانی تبدیل کنیم، تردیدی نداریم که مسیر همین است و از همین مسیر باید رفت. روشن است این درد مشترک را باید با سازمان یابی هدفمند و راهکشیایی همه جانبه جنبش‌های مطالبه محور جست و راه را برای پیشروی در صفی متحد، در مقابل دشمن مشترک ناممکن ساخت. این کار از ما بر می‌آید. با همه توان به پیش!

ادامه دارد

علاقه‌مندان بخش های پیشین این یادداشت ها را می توانند :

* بخش نخست این مطلب را می‌توانید در سایت روزشمار جنبش کارگری بخوانید:

[http://karegari.com/maghalat/2022/03/29/Aval Maj 1401 1.pdf](http://karegari.com/maghalat/2022/03/29/Aval_Maj_1401_1.pdf)

* بخش دوم این مطلب را می‌توانید در سایت روزشمار جنبش کارگری بخوانید:

[http://karegari.com/maghalat/2022/04/03/Aval Maj 1401 2.pdf](http://karegari.com/maghalat/2022/04/03/Aval_Maj_1401_2.pdf)

* بخش سوم این مطلب را می‌توانید در سایت روزشمار جنبش کارگری بخوانید:

[http://karegari.com/maghalat/2022/04/10/Aval Maj 1401 3.pdf](http://karegari.com/maghalat/2022/04/10/Aval_Maj_1401_3.pdf)

* بخش چهارم این مطلب را می‌توانید در سایت روزشمار جنبش کارگری بخوانید:

[http://karegari.com/maghalat/2022/04/17/Aval Maj 1401 4.pdf](http://karegari.com/maghalat/2022/04/17/Aval_Maj_1401_4.pdf)